

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری

سر دبیر: ا. شمس

عنوان تلگرافی

(نامه آذربایجان)

جای اداره: خیابان تربیت کوچه
پناهی روبروی دبیرستان پرورش

شماره ۳۸ - سال ۱۳۳۹

شنبه ۹ شهریور دین ماه

وجه آبرونمان:

سالیانه ۸۰ ریال

ششماهه ۵۰ ریال

(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

قیمت تک شماره در همه جا ۵۰ دینار بعد از سه روز در اداره بکریال

روزنامه آذربایجان از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام او بجماعت آذربایجان منتشر میشود و رویه آن تشریح حال گذشته - تشخیص علل مفاسد اجتماعی - پیدا کردن راه چاره عملی برای رفع آنها میباشد.

مکتوب از تهران

پیام اتحاد

یکچند صدای دلچسبی در کوی و برزن مترنم بود، موجهای بلند و کوتاه آن نغمه روح پرور در گوشهای حساس تاثیر بسزایی بخشیده و انوار امیدی در دلهای ما دور افتادگان از آغوش آن مادر مهربان که آذربایجان نام دارد پرتاب و بآینده درخشانی امیدوار می ساخت.

کلمه آذربایجان که باخط درشتی نقش بسته و هر آن چون نیزه های برآقی در مردمک دیدگان خائنین فرو میرفت باز با آنحال پیامهای گرانبهایی برای ما جوانان آذربایجانی میفرستاد:

« جوانان هشیار باشید. روح سلحشوری و فداکاری نیازید. دست اتحاد بهم یازید. چون شما زادگان یک مام و پروردگان آغوش یک مادر و از یستان یک دایه شیر خورده اید همت بلند دارید و از هیچ کس و هیچ چیز نهراسید. بکوشید تا دست مغرضین را از سرمن کوتاه سازید.»

افسوس که دیری نپایید و از آن صدای مهیج اثری نماند. نمیدانم کدامین بد سگال خیانت ورزید و ما را از شنیدن آن نغمه دلنواز محروم ساخت. نمی دانم کدامین اهریمن پست فطرت مادر مهربان ما را از ترنمات نوازش آمیز باز داشت.

نفرین باد بر خیانتکارانی که دیو-سار از شنیدن ندا های حق بیزارند. شکسته باد بازوانی که بقصد خاموشی بسوی حلقوم مئادیان حق دراز شود. حال توای مام مهربان نومیدمباش اینک فرزندان رشیدت صف بصف دست همت بکمر زده و منتظر فرمانند تا بیک

حمله خائنینت را ناپود سازند. پیام باد بفرزندان رشید آذر-بایجان « شما ای برادران آذربایجانی بدانید که یک مشت مردم سست عنصر زن صفت بر آنند که زبان گویای آب مام مهربان را قطع و ما را بروز سیاه بنشانند و اراده های شوم خود را مثل پیشین بر ما تحمیل نمایند. هان تاچه تصمیمی بگیرید ما را هم آگاه سازید» روشن تر بگویم در کشوری که امروز دموکراسی نامش گذارده و بیش از دیروز بر دیکتاتوری افزوده اند نمی دانم با کدامین برهان باید یک روزنامه ملی را از انتشار بازدارند. زهی خیانت زهی بی وجدانی.

این تبه کاران هنوز هم میخواهند از حدود و موازین خود تجاوز کرده توسن ظلم و استبداد را بر آن سامان به تازند.

با این وصف نمیدانم چرا باید ورق پاره هائی که جز اقدام همه حاکی از تملق و چرب زبانی است در کشوری که جایگاه مردان غیور و جوانان حقیقت کیش است عرض اندام کنند. هان برادران عزیزم قدمی پیش، دستی به جلو و نیروی خود را بیازو تمرکز داده آن صفحات پوچ و بی مغز را پاره نمائید و نگذارید فکروهوش هموطنان با الفاظ خیانت آمیز پرورش یابد. عمل معاوضه بمثل اجرا بکنید. بکنید. باز هم تکرار کنید تا زمانی که آن طوطی شکرشکن یعنی آن نامه ملی حتی در خود تهران آزادانه بگفتار آید و وزنک حسرت از دل دلدادگان بزداید. - ن. ح

فاشیسم چه میگوید؟ چرا دشمن آزادی و تمدن نامیده میشود؟

فاشیستها فکری جز استعمار ندارند فاشیسم با اینکه نژاد آریائی را تنها نماینده تمدن و ترقی میداند ولی در عمل باز کلیه افراد آن نژاد را یکسان ندانسته و عقیده مند است که تنها ملت آلمان نماینده نژاد آریا بوده و باید بر کلیه ملل آقائی داشته باشد چنانکه جمله (آلمان بالای همه) که شعار فاشیست ها است مؤید این فکر میباشد. علاوه بر آن هیتلر راجع باین موضوع چنین میگوید: « من برابری ملت های دیگر را باملت آلمان از حیث حقوق هیچوقت قبول نکرده ام. وظیفه ما تابع نمودن سایر ملل به ملت خودمان می باشد، وظیفه مات آلمان نشان دادن یک صنف آقاها بدنای تازه می باشد.» بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مقصود فاشیست ها از ایجاد نظریه های غلط و موهوم خود راجع به نژاد و ملت و همچنین دلسوزی آنان از مال کوچک و دعوت آنان باستقلال و آزادی همانا اغفال مردم ساده لوح و عوام بوده و فکری جز استعمار و بنده نمودن آن مال ندارند. همچنین هیتلر در جای دیگر کتاب خود این موضوع را مخفی نموده و صراحتاً اظهار داشته است: « ادعای اراضی تازه اخلاقاً موجه و مدلل است. سرحدات هرگز جنبه دائمی و همیشگی ندارند و کار بشرانند. هر ماتی مسئول دفاع سرحدات خویش است. ماموریت آلمان حمایت از سایر ملل و دفاع از حقوق آنان نیست بلکه وظیفه اساسی دولت آلمان تهیه اراضی از برای نژاد آلمانی است تا بعاقبت و خیمی دچار نشود. آلمان یا باید دولت جهاننداری بشود یا باید اصلاً وجود نداشته باشد.» از طرف دیگر عقاید فاشیستها راجع به نژاد آریا علاوه بر آنکه هیچ-

گونه مبنای علمی نداشته و چنانکه گفته شد تنها وسیله ای برای اغفال و عوام فریبی است، رویه و اعمال فاشیستها به خوبی نشان میدهد که حتی خود آنان نیز عمداً به آنها رفتار ننموده و برخلاف آن عقاید عمل میکنند. چه مثلاً هیتلر در کتاب خود راجع بمات ژاپون چنین مینویسد « مثلاً در چندسال دیگر اهالی چین و ژاپون ادعا خواهند کرد که صاحب تمدن هستند و حال آنکه جوهر و اساس تمدنشان ماخوذ از یونان و آلمان و نژاد آریاست. تمدن آنها فقط از لحاظ ظاهر شاید صورت آسیائی داشته باشد. ژاپون نه فقط چنانکه بعضی از اشخاص می پندارند فنون اروپائی فرا گرفته بلکه علوم و فنون مذکور را کاملاً با تمدن خویش آمیخته است زندگانی ژاپونینها منحصر بر- تمدن اصلی آنها استوار نیست. اگرچه ظاهراً عکس این مطاب مفهوم میشود بلکه مبتنی بر کارهای عامی و فنی اروپا و امریکا و اقوام آریائی است مات مذکور برای اینکه بتواند طریق ترقی به بیماید باید مال آریائی نژاد را راهنما و دستگیر خود قرار دهد.»

دز صورتیکه محتاج بتوضیح نیست که فاشیست ها اخیراً مات یونان را که بقول آنان از مال متمدن قدیم و آریائی نژاد میباشد چگونه با اعمال وحشیانه خود پایمال نموده بنده و اسیر خود گردانیدند! و همچنین با اینکه مات ژاپون را از نژاد پست و غیر قابل تمدن می دانستند جزو متحدین خود قرارداده بر تمدن و ملت ژاپونی افتخار میکنند!! بطور خلاصه فاشیست ها هرگز بانظر برادری و برابری بسایر ملل و بخصوص مال کوچک نمی نگرند و باید ملل کوچک بدانند که فاشیست ها با تبلیغات دروغ و بی اساس خود میخواهند مال کوچک و ضعیف را اغفال نموده و بدین ترتیب آنان را بدام حیاه خود بیاندازند. فاشیست ها فکری جز اعمال سیاست استعماری خود در دنیا ندارند. افراد مال کوچک نیز هرگز نباید گول عوام فریبی های آنان را بخورند.

بیماران: جراحی = زنانه = آهلیزشی

دردهای شما درمان پذیر و بهبود یاب است. دکتر مجیر هولوی - روبروی شهرداری

ملانصرالدین دن نقل اولنور:

جا غصبی

برگون برده لی دن سوروشد-
 یازر که « جا غصبی ، جامه غصبی »
 عباره لرین سننا ایله سون . دهلی
 بر قدر فکرمه گیدندنت سورای بیلنه
 جواب ویردی .
 جا غصبی همان عالی عمارنه
 دیورلر که عمارت اولا دورت بش
 حیط دن : حیط بیرون ، حیط
 اندرون ، حیط خلوت ، حیط -
 ضیافت . نالارقلار ایچنده ، حوض ،
 گل کارلق ، طریقه ، آشپز خانه ،
 آبارلار ، زیرزمین لر ، بوزخانه -
 سی ، چای خانه سی ، تریاک خانه -
 سی ، زبوعالی عمارت ده اگله شه
 بر نفر آدم ووش آلتی باش عائلده
 سی ویش آلتی نفر نوکری (سوز -
 یوخ ، خدیمی ده اولاجاق) -
 دیگر طرفدن ده بی چیز لسرون
 یگری اوتوز نفری نساغاشا بر -
 تر اسیل رطوبتلی ایود ، هله بلکه
 چوخلاری باغیش و قار آلتنده
 زندگانی ایله لر ، یا ایندکه
 مدرسه لره یرتاپیلما و مفاکه معلم -
 لر یوز نفر کیچل کوجلی شاگردی
 قاتا بر قاراندلی طویلیه و اوراده
 درس دییه .
 بونا دییه لر جا غصبی ، یعنی
 قیاقکی عالی عمارت ده نماز باطل

در ، هله بلکه چورک یمک ده
صاحبنه حرام یازیلا جاق .

لغت

عدلیه عدل یعنی تایی که
 ایکیمی بر بویک اولور یعنی بورایه
 رشوت گرک تایی تایی گله اگر بویک
 بویک گلسه همی قاپودان کیچمز و
 همی گوره رلر
 دوسیه یعنی ایکی سیه که
 بر چارک اولسون اعضانون جیمی نون
 آغزی و گینلگی اما بودا قدیم
 اورجوز لوق زماننده ایدی ایندی
 (آرشیو) دیورلر یعنی بر آرسین
 گرک اولسون
 مستنطق یعنی اوستدن ایله
 سول جیممه ککه طفیلدا سین و
 طفیلدا سین ایشدرم
 استیناف بویکله تازه له مک
 معناسنه دور یعنی ایندیبه کیمی
 هر نه ویرمین هیچ اگر ایستیر سن
 که ایشووا باخیلسون تازه دن و
 اولکیندن چوخ
 جنبی شاهی نالاش یعنی طرفی -
 نون بولی قورتولماقا یاخین بر
 اوچومچی شخص حکماً تاپمالی
 کفیل (فیل کیمی) یعنی مدعی
 ومدعی علیه سویوب جوجه یه
 دونده رندن صورنا بر آیری فیل
 کیمی بر آدم تاپوب بو ایشه
 قار بشد بر مالی

محترم آذربایجان روز نامه

سنین مدیرینه

گچن نمره دن بقیه

معلم ومدتسه شاگردلری طرفیندن
 بو آ نه قدر هیچ بر یاردم گورولمه مشدر
 سهدلر بر نیچه نفر عصر فرخنده تربیه
 سیاه تربیه انمش مدتسه مدبری ومعلم
 لر دن بو تشکیلاتین علیهنه اولاراق ضد
 تبلیغاتدا آپارانلار تاپیلر حتی بو -
 شرکتدن سهم آلانلار بر شهرانی
 اداره سی طرفندن تعقیب اولنور یا
 اولناجا قلاری کی بالان بهتان واقفرا -
 لاردا توخویورلار .
 بیز بو محترم و گله جک جوان
 نسلیزین تربیه و برون معلم ارین احترام
 آدلارینی انشاء ایتمیریک آنجاق اولارین
 تربیه اولنوب و گله جکده بر حقیقی
 خلق وجامه معلمی اولماقلارینی آرزو
 اید بریک .

بوراسی داما تعجب لی در که
 در شنبه گونی اسفند آیین ۱۸ نده گون
 اورتادان صورنا بر نفر باسبان مخصوص
 بر دفتر ایله (احتمال مالیات بر درآمد
 باسبانلاریندان اولوش اولسون) باغیشه

نمیسز یعنی طرفی نون هر
 ایکیمین اولکی محکمه لر سویاندان
 صورنا تمیز اولماق ایچون اوتور
 اعلان شاقمه بو بر اعلان دور
 که بونی مدعی ایبار که من آخره
 یتیشدیم .
 مجلس تمام گشت وبه آخر رسید بول
 ماهمچنانت در اول کار تو مانده ایم
 امضا : سیر تیغ

قابوسندا اولان بر نیچه فرش باف کار -
 خانه سنه داخل اولوب و اوردا اولان
 عمله لر دن شرکت تعاونی دن سهم گوتورن
 لرین آدلارینی ایسته یوب و بر یارداشتدا
 قید ایتمشدر . گویا اوز عالمنده (حاج
 آقیران اوشاقی خوردان کیمی) اولاری
 قورخو دور موش .

بوراسی شبهه سیز در که بوکی
 چرکین حرکتار شهرانی اداره سندن
 بی اطلاع در - چونکه شهرانی اداره -
 سنین و باشقا دولتی مقاماتین بوکی
 اقتصادی تشکیلاته مساعدتی طبیعی در
 لاکن بی موقعده دگل شهرانی اداره -
 سندن خواهش ایدک که بوکی کهنه
 بکلر بگی - کد خدا فراشلاریندان یوز
 قات بیس و وظیفه ناشناس اولانت
 باسبانلاردا دوشوندرسونار که وظیفه لری
 اولمیان ایشلره مداخله ایدوب خلقین
 بوره گین بولاند بر ما سینلار .

بیز آرزو ایدوب وامین اولوردرق
 که بزم ایسته ر مقامات دولتی و ایسته ر
 طبقات ملی بر واحد قوه ایله ملت و
 مملکتین خیرینه اولان بوکی اجتماعی
 خیریه ایشلرینه هر جور مساعدت ایدوب
 وهیچ بر فدار کارلریندان گری قالمیاجاقلار
 شکر چی

تاری ملایه رحمت ایلسون
 سوز لرینین هر کلمه سی بر قزیل
 اینن برابر در کیشی دینن سوز -
 لری هر زماندا تازه در .
 اما نه فایده ! سن او قزل
 لارا قیمت ویرنی تاپ !!

آذر بایجان

دیمشدر ، پهلونین ، مختارین امرلرین یوزده یوز
 فاضله یرینه یتیرن بو آدم هیتلرین ایراندوتول -
 لوش بر نوکری ایدی .
 ارانی نی یوخ ایامک ایجاب ایلیردی .
 بونی نه جور باجار مالی ایدیار ؟ ارانی مجرد گری دور
 و اطاقلارینین هاموسینا آباریلدی . اونون استبداد
 ضدینه اولان مبارزه سی سونمک بیلنه یت بر
 آلاو ایدی .
 گری دور دور دین ۹ نومرولو اطاقنده ارانی
 یمکلردن صورنا قوصماغا باشلامشدی . شاعر فرضی ده
 او بش گون یمکلردن صورنا قوصوردی . فرضی
 سمین تاثیر یله ضعیفله مش بدنین حسابنی مرضخانه ده
 « آمپول پهلوی » ایله نوده دی . بیلیم نهدت
 زندان اداره سی ارانی یه سم ویرمکدن واز کیچدی
 بقیه سی وار

پهلوی زندانی ناحق یره دوتولوموش آداملار -
 لا دولو ایدی . بو بی گناهلارین چوخ آج وسفیل
 بر حالدا ایدیلر . ارانی منزلندن گتیریان ۱۶ ربالی
 هر هفته بو بیچاره لره تقسیم ایدر . غذاسنی آج -
 لارا داغیدردی . ایوندن گتیریلن میولری یه میوب
 یولدار لارا صاتیر بو بولی ده کومکارینه علاوه
 ایلیردی .
 رئیس تشکیلات مختاری یاخشی بیلردی که
 ارانی ایرانین حتی دنیانین قیمتی آداملاریندانت
 بریدر . او آزادلق مبارزه سنین ایرانداسکی
 نماینده سیدر . قیمتی و آزادلق سوهت بر آدم
 پهلونین ، مختارینین حتی درجه سی او وقتلر یاور
 اولان رئیس زندان نیرومندین ان بویک دشمنیدر
 (رئیس زندان نیرومند ، فاشیست عقیده سته صاحب
 اولدیقی چوخ دفعه لر زندانیلره تهدید بولی له

یزان : احمد اسپهانی زندان خاطر ه لریندن بر خلاصه

« متحد اولساق بونلارین انتقامنی آلا ریخ »
 جوانی وریر . مجرد ده تازه گلنلرین احوالی
 صوروشان بو آدم پهلونین و اونون قان ایچن
 آداملارینین بوتون غیرتارینه مقابل وقتنی استبداد
 رژیم ایله مبارزه یه تخصیص ایله مشدی .
 ارانی ده ایله بر قدرت واریدی که اوغرو ،
 جانی ، سیاسی خلاصه تانین ، تانیمیان اونا احترام
 ایلردی . پولیسین اونولا دانیشماق جرأتی یوخ ایدی
 منقله جواب ویرمگی باجار میان استبداد نماینده -
 لری اونی شاللاخلاماخ ، دینه دانیشما دیمک و یا
 خود رطوبتلی مجرد اطاقلاریندا چوروتمک یولو -
 ایله انتقام آیلردی .

سوز ایشیت

سوسِ بلام هرزه دانشما اوتان آی هرزه کیشی
تور کجه نامه چیقاروب تازه لمه حکینه ایشی

قریلار قیاقچاسی اوردک بریسه قاز یریشی
سوز ایشیت گل آگوزوم بوشلا بوتازه گیدیشی

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بلام

دولتین ایشارینه هیچ ده قاریشما آ بلام

بوغداسی کیسه ده آذر بایجان یانسا بوتون

وضع مالیسی دوتوب اود گوگه ده گیتسه توتون

سنه می دردی قالوبدر آ کیشی لات و لوتون

ساعمالارقوی سن اودیلیمز اینگیلن یاغلی سوتون

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بلام

انگیوی یورما بوش ایشارده چاشما آ بلام

اهل آذر بایجان زحمته وار عادی چوق

یعنی حمال کچی ایشلر آرادا اجرتی یوق

ناز پرورده لی ... یسور قاز و تویوق

هر یری بریکه آدمدی قانیر ایشی سویوق

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بلام

آنلاما ، قانما ، دوشونیه و قالشما آ بلام

هر قدر ترکجه دیسن اوردن قانازوق سوزووی

آی کیشی فارسجا دانش برمنه باخ آج گوزووی

ایکی یوزلی اول آنام گوسر او نیرسی یوزووی

بر آوج اوتدن اوتر بیله آز اولدور نوزووی

لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بلام

سوزووی گوللایه بنزتمه ، آتیشما آ بلام

اوزووی بوش یره ملت دیوب اولدورمه گلن

کیمدی ملت؟ اوزووی ملته گولدورمه گلن

یازان : غلامی

خلق ادبیاتی بیغماخ لازم در

بنام شاعر لریمز ، ادیب لریمز ، ایچون اونی بیغوب ساخالماخ کتاب
یازریچیلاریمز طرفندن تالیف ایدیلیمش

انرار بزم مایه افتخاریمزدر .
نظامی ، شاقانی ، نسیمی ، صائب ،
فضولی ، واقف ، صابر ، لدلی راجی ،
ریوزلرجه بیله آدلی - سانلی شمرال -
مز ملتیزین وارلیقینی سوز تولمز

انرارینده ثبت ایتشلر . اوللارین
بازدیقی انرار آذر بایجان خلقنیز
ادبیاتی در . لیکن بزم ادبیاتیمز

یگانه شاعر لریمزین و ادیب لریمزین
انراری دگلی .
آذر بایجانلی لرین غیر بر پر قیمت
ادبیاتی ده واردر که ؛ اونون معلوم
و معین مؤلفی بوغدر . بیله مؤلفی
اوللایان ادبیات . خلق ادبیاتیمز .

خلق ادبیاتی بیغوب ساخالماخ کتاب
شکلنده چاپ ایتمک لازمدر چونکه
خلق ادبیاتی بزه ملتیزین ذوقی -
عشقی - شادلیق و کدرین - مبارزه
و قهر مانلیقین ، کچمش حیاتی ،
تاریخی - ساده لرینی بیر کلمه تمام
وارلیقینی آینه کیمی آچرب
گوسریر .

بزم بوگونکی مقاله زده بو
ادبیاتیمزین بر سونه لر گوسترمک
ایسته یورماک .
خلق ادبیاتیمز ان مهم قسمتی
بیله بابایی و شکسته لر تشکیل ایدیر :

عزیم اولو داغلار
چشمه لی سولی داغلار
بردا بر غریب تولمش
گوانه کینر ایزوت آغلار

و یا - زود .
چرخه گری و جور بچورد .
خلق ادبیاتی خلقیمز ر ملتیز
طرفندن یوز وین ایللر طرفنده
اشاد ایدیلیر و آغزدا آغزا
گرونی دولایر و یا ایلیب گلیر .
بر ادبیات . چوخ قیمتلی اولدی

من عاشق مغانه
یول گیسر مغانه
باشیمی کسی سینهن اوسته
قوی بانسین مده قانه

بقره ۴ نجی صفحه ۵۵۵۵

آنوری آیری یانا چاپ بو مانا شورمه گلن
بیر آوج بوغدانلی سن بزلر . چوخ گورمه گلن
لقببندت اوتانوب تورکی دانشما آ بلام
آتیلوب اورتایا هر صکاره قاریشما آ بلام

ده حکمه بیشتگی !

قاجاق نبی

-۲-

او نبی ایله یسولا گینمیردی ، اونی چوخ
دوگوب اینجیدیردی .

نبی ، دوشنده ، کربلای جعفر دن آددا میردی
« جاننا واریدی ، اوغورلاندی » آدی ایلن ، اونون
یاخشای قویونلارینی تلف ایدیردی . نبی اود کیمی
اوشاق ایدی . کربلای جعفر بیر دیینه ده او ایکی
دیردی . بعضا آجیق ایلیب ، باشقا یره قاجیردی
آتاسی علی ، اونی تهدید ایلیب ایشینه قایتاریردی
نبی اوینایاندا اوز طرفینه یوخسول ، چپلاق اوشاق -
لاری گوتوروردی . او ، وارلی اوشاقلاری ایلیت
ووروشیردی . کنده اولان قولی چوماق و بیگنر
نبی دن شکایت ایدردیلر . اوللار علی کیشی به دیر -

دیلر که : اوغلونا او بود ویرمه سن ، دجاللیقینین
قاباقین آلماسان ، سنی کندن قوواجایق . علی کیشی
باخدی که ، نبی نین دجاللیقینی تر کیده بیلمیه جک .
او ، فکر لشدی که ، نبی نبی ایولند یرسین ، بلکه
عقل لته .

موللی کندینده خانملی آدیندا ، بر اورتاباب
کندلی واریدی . خانملی نین حجر آدلی بر قزی
واریدی که ، اوشاق دانت نبی ایلن بر یرده
بیو موشدی .

حجر ، نه حجر ، اییک کیمی قارا ساچلاری
توبوقینا دوشوموشدی ، اوزی گوت کیمی ایشیق
سالیردی ، یاناقلاری قیپ - قرمزی ، حاضر جواب
و چوخ زیرک بر قز ایدی . اونوت کیمی گوزل
دنیا به کلمه میشدی .

نبی حجری ، حجری نبی نی سو ویردی .

بونلار بر برینی گورمه بر دیلر ، قرارلاری گلنزدی .
علی کیشی نبی نین دلی لیگینن قاباقینی آلماق
ایچون حجرین آتاسی خانملی به ایلیچی گوندردی .
خانملی ایلیچی لره چوخ بیس باخدی . ایلیچی لر
ال چکمه ب خانملی به دیدیلر :

- گرك حجرین توپونا راضی اوسلان .
خانملی جواب ویردی :

- من اوز الیم ایلن قزیمی بدبخت ایلیه -
بیلمرم . علی نین اوغلی هیچ برد ، اوز توپوما مشدی
هارا دا وارلی ، بیگ وار ، اونندان ناراضی لیق
ایدیر . نبی هامپالارین اوشاقلارینی دوگور ، دعوا
چخاردیر :

من قزیمی ایله آداما ویره بیلمرم . اول - آخر
اونون یری ، زندان در ، اولاجا قدر . هزاران گلیمینز
اورا اگیدین . بیرده ایله سوزلری آغزینزا آلمابن .

۳۳جی صفحه دن بقیه

خلق ادبیاتنی بیستایم لازم در
مثلر و آنالار سوزی ده خلق
ادبیاتنین بر قسمیدر :

نه یاردان دو یور؛ نه الدن قویور
کباب قانلی - ایگیت جانلی
آهل گوزیله قیز آل جاهل گو-
زیله آت -
صبر ایله حلوا پیر ای قوراسندن
بسله سن اطلس اولار توت پیراقدان
مینلر بیله مثلر ییز واردر که
یری گلنده هر بیرینین قزبل قدر
قیمتی واردر -

خلق ادبیاتنین قیمتلی بر حصه
سی ده تا پاجالاردر - مثلا بیله تا پاجا-
جالار خلقده سوز او ستالارینین نه-
قدر مهارتلی اولدیقنی ثبوت ایدیر.
آلتی تخته - اوستی تخته
اوتوروب بر آغ او طاقده
قویون دکل او تلپور
ویوق دگل یومور تلپور
توس باغی
ساجیوون اوچی گوموشدر
سال بوینوما ایلیشدر
یمیشلرده یار باق سیز ،
تاپ گور نیجه یمیشدر
توی به اکت

خلق ادبیاتنین نوعلری بو-
نلان لاقور تار میر . مثلا معین عاشقانه
حادثه لر مناسبتیله قوشولوش نغمه-
لریوز ایلدن سورادا ملتض طرفندن
ترنم ایدیلیر . بیله نغمه لردن بریسی :
یوز آتلیوق چخدیق دوزه
پیچاق بانا یامان گوزه
ساغری باشماق سودا اوزه
آپاردی سیل لر سارانلی
بیر آلا گوزلی بالانی .

کیمی نغمه نری آذربایجان شهر و
کندرلینده سیوه سیوه اوخویورلار
بر وقت تبریزده چورک احتکار
چیلر طرفندن انبارلارا وورولوب
جماعت آج قال میشدی . او وقت
تبریزده زینب آدلی بیر آرواد تا-
پیل میشدی . بو آرواد ، باشقا آرواد
لاریدا باشینا یغوب احتکار چیلارین
انبارلارینی داغیدیرمش . جماعت بو
آروادین شجاعتنه سوز قوشوموشدی :
حکم ایلدی زینب پاشا
جمله انات فراشا

سز بازاری باسین داشا
خنجریمی باغلیوم گلیم
ده گه نگی باغلیوم گلیم
ینه بر دفعه تبریز ده بهالیق
اولدیزی زمان ، گچمشده سخاوتی -
ایله مشهور اولان حاجی شیخ خلقین
یادینا دوشور :
زمانه نی دوندر الله
حاجی شیخی گوندر الله
دیوب سوز قوشوموشدی لار .

معین حادثه لره سوز قوشماخ
اونی ترنم ایتمک خلقمیزین عادتیدر
بو سوزلرین ترین معناسی ویوک
اهمیتی واردر : مثلاترار حکومتی
ایله مبارزه ایدن قاجاق نبی و اونون
قوجاق آروادی حاجر خانم حقهنده
نه گویچهک سوزلر اوخویار دیلار :
نبی منیب کهر آتین بیلمینه
آینالی تنگی سالوب چیگمنه
قوی منه دیسینلر آی قاجاق نبی
آروادی نوزوندن آی قوجاق نبی
اهل عیالینی ایر اندا قویوب روسیه یه
چورک قازانماغا گیدنلرین عائله
لر ینین دیلندن بیله سوز
قوشوموشدی لار :

ایششکار یولا دوز یلدی
خومار گوزلر سوز یلادی
الله اوره گیم اوز یلندی
هانلی بس منیم ماتان یاریم
قاش گوزون اویناندان یاریم
کندیلرین حیانتن و تصرفاتین
تصویر ایدن بیر چوخ نغمه لرده
واردر . مثلا :

قویونون یوزی گلدی
دولاندی دوزی گلدی
چوبانین قوجا غندا
برجه جوت قوزی گلدی

نه نهم ارناریش قویون
به بی برقاریش قویون
چوبان سندن کور سندر
سوی ییر باریش قویون

خیردا خیردا چیشی لر
یووشانین باشین دیشار
گیدر یبلا خدا اولار
تلهر په یه ده قشار

هله چوبان حقهنده ده بیر بیله سوزوار
یوموری یوموری قایلار
یومورو غیرد چوبانین
یسانداکی بوز کک پک
ها و ادا ریدر چوبانین
آغزی قارا جانوار
دشمنی در چوبانین
اندک کی ده گه نک
تنگی در چوبانین
بونلاردان باشقا ، خلق نوز شهری
حقهنده خصوص نغمه لر قوشوموشدر
نبریز او سن هیانه
گل سنبله دایانا
اوخی بلبلیم اوخی
بلنکه یاریم ازیانه

ستارخان ارتجاع قوشونلاری ایله
مردم دانه دعوا ایله دیگی گونلرده
خلق بیله سوزلر قوشوموشدی :
سویزینه قانلار آخدی ستارخان

خلق ادبیاتی احاطه ایتمه دیگی
هیچ بیر ساحه قالمامشدر . مثلا
اوشاقلارین چوخ سودیگری :
اوشردوم ها اوشردوم
داغدان آلمانا داشیدیم
کیمی اوخوماقلار دا واردر .
خلق ادبیاتی او قدر چوخدر

که ، اونلاری سایلاماق ایله قور-
تارماز . بورادا اونلاردان نمونهلر
گوستردیک .

بونلی یازماقدان مقصدیمز اودر
که ، اوخوجولاریمیز بو نوع خلق
ادبیاتنی یغیب بیزه گوندر سینلر
بیز ده اونلاری گونده ره نلرین
آدیندان روزنامه مزده چاپ ایدرک
بونلارین یغماغنین یولونی دا
اوخوجیلاریمز انشان ویریریک خلق
ادبیاتنی چوخ بیلن قاریلار وقوجا-
لار در .

خصوصا مکتب اوشا خلاری ،
قاری نه نه لری وقوجا بابالاری صحبته
دوتون ، اونلار سیزه شیرین شیرین
نقللر و بیله خلق ادبیاتی سوزلری
دانیشارلار . سیز اونلارین دیدیک-
لرین بیغین ، یازبن و بزیم اداره مزه
گونده رین ، بزده سزین آدوزدان
چاپ ایدهک .

خلق ادبیاتمه بیوک خدمت
اولان بو ایشده اوخوجولاریمزین
سزه کمک ایده جگینه امینیک .

آگهی

چون اخیراً پزشکی و بازرسی بهداشت آموزشگاههای تبریز
بعهدت اینجانب « دکتر علی نور هاشمی » واگذار گشته است
اینک خاطر عموم مراجعین را مستحضر میدارد که اوقات فطب بعد
ازظهرها بوده و پذیرائی مواقع صبح که در شماره پیش اخطار شده
بود اشتباه میباشد .
۳ - ۲

کتاب کالبد گشائی قانونی

تالیف دکتر قلی باوندی

این کتاب نفیس نخستین بار است که بزبان فارسی تألیف گشته
ومطالعه آن برای پزشکان و کارمندان اداره دادکستری وشهربانی
ضروری است بقیمت ۲۰ ریال از کتابخانه فروش ویا از مطب
شخصی « دکتر علی نور هاشمی » واقع در خیابان پهلوی ابتیاع
فرمائید .
۵ - ۳

اخطار

کارخانه بافندگی شمس بیک عده کارگر جوراب بافی قابل با
اجرت کافی احتیاج دارد طالبین بکارخانه مزبور مراجعه کنند .